



# یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

## مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زینم، تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌گیریم و روبرو می‌شویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفته‌گر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک بهدلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغیری و کبری چیزی‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل بوجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در بی‌می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتاد و چه در نظر آید.

### یادداشت ۱

هر کدام را می‌پرسید. علی‌رغم این که یکی دو نفر با نسخه وارد شدند و دیگر تکنیسین داروخانه به آن‌ها پرداخت، تکنیسین اولی کماکان در گیر خانم جویای مسوک بود.

در حالی که تکنیسین داروخانه منتظر انتخاب مسوک و حساب و کتاب بود، خانم با خونسردی تشکر کرد و رفت!

### یادداشت ۳

تنها دارویی که دوزهای گوناگون آن قیمت مساوی و مناسب دارند، قرص سفیکسیم است. به این ترتیب که یک بسته ده عددی قرص سفیکسیم ۴۰ میلی‌گرمی، قیمتش دو برابر یک بسته ده عددی قرص سفیکسیم ۲۰۰ میلی‌گرمی است. اگر این مسأله در مورد دیگر داروها بهخصوص دیگر آنتی‌بیوتیک‌ها هم صادق بود، در داروخانه کمتر مشکل ایجاد می‌شد.

نسخه بیمار قرص یوری‌ناسین ۱۰ میلی‌گرمی بود. از مراجعته کنندگان همیشگی و از کاسب‌های محل بود.

برای ایشان شرحدادیم که ده میلی‌گرمی این قرص به‌دلیل تاریخ انقضای نزدیک جمع‌آوری شده و فعلًاً قرص ۵ میلی‌گرمی آن موجود است. ایشان هم بلافضله گفت که دو بسته ۵ میلی‌گرمی بدھید تا دوتا دوتا بخورم.

قیمت دو بسته را که گفتیم، به‌دلیل اختلاف زیاد ده میلی‌گرمی با پنج میلی‌گرمی کمی رو ترش کرد و اعتراض داشت، ولی بالاخره راضی شد و رفت.

به کرات اتفاق می‌افتد که خانمی یا آقایی با یک بسته دارو و یا قوطی خالی دارو به داروخانه مراجعه می‌کنند و با نگرانی سؤال می‌کنند که این چیست؟ دلیل مسأله هم این است که همه والدین نگران مواد مخدر هستند و می‌خواهند مطمئن شوند که فرزندشان آلوده به مواد مخدر نباشد. خانمی به داروخانه مراجعه کرد و یک ظرف خالی دارو را نشان داد که برچسب هم نداشت و می‌خواست بداند که این ظرف خالی دارو در خانه ایشان چه می‌کند؟ به ایشان گفتم: این که ظرف خالی دارو در خانه شما چه می‌کند را نمی‌دانم، ولی این ظرف مربوط به لوسيون کلوتریمازول یا لوسيون بتامتاژون است و ربطی به مواد مخدر ندارد. نفسی از ته دل کشید و در حالی که لبخندی به لبانش داشت، داروخانه را ترک کرد.

### یادداشت ۲

خانمی حدوداً شصت ساله بود. تا یکی دو دقیقه بدون این که حرفی بزند، روبه‌روی پیش‌خوان ایستاد و مسوک‌ها را ورانداز می‌کرد. سپس رو به تکنیسین داروخانه کرد و گفت: مسوک نرم دارید؟ تکنیسین هم ضمن تأیید، قیمت آن را هم گفت. خانم بلافضله گفت: گران است!

سراغ مسوک‌های دیگر را گرفت. تکنیسین داروخانه ده نوع مسوک را آورد و جلوی خانم ردیف کرد. ایشان هم یکی مسوک‌ها را ورانداز می‌کرد و با خونسردی هرچه تمام‌تر قیمت

یا مکملی بدون هیچ محدودیتی وارد شد و بلای  
جان بازار دارویی این مملکت گردید. فهرستی از  
داروهای OTC را جلوی من قرار داد و در حالی که  
مشغول مطالعه فهرست دارویی‌اش بودم به من  
گفت که همه را خارجی می‌خواهم.

در آن فهرست داروهایی همچون ویتامین B1  
سیصد میلی‌گرمی یا قرص دایمیکون بود که هرگز  
خارجی‌اش در بازار دارویی نبوده است. به ایشان  
تذکر دادم و او نیز با خونسردی پاسخ داد که: من  
که نمی‌دانم، به من گفته‌اند!

#### یادداشت ۶

ظاهرًا شاگرد آموزشگاه موسیقی طبقه بالای  
ساختمانی است که ما در طبقه همکف آن قرار  
داریم. از بسته‌سازش موقع ورود به داروخانه متوجه  
این مسئله شدم. دختر خانم حدوداً بیست و یکی دو  
ساله‌ای بود. مقابله پیش‌خوان که قرار گرفت، گفت:  
یک عدد «پماد رژودرم» می‌خواهم. مدت زمانی  
است که این پماد در بازار وجود ندارد. به همین  
دلیل پرسیدم برای چه می‌خواهد؟ از شرحی که  
داد فهمیدم روی سینه‌اش یک کیست زیرپوستی  
است و ناراحتی کرده است.

به ایشان تذکر دادم که «پماد رژودرم» برای  
چه کاری است و مشکل ایشان احتمالاً به‌وسیله  
جراحی کوچک باید حل شود و باید به متخصص  
پوست مراجعه کند و مشکل را ریشه‌ای درمان کند.

#### یادداشت ۴

از مراجعه‌کنندگان دائمی داروخانه است. کمابیش  
در مسجد محله هم ایشان را می‌بینم و با او سلام  
و علیک دارم.

وارد داروخانه که شد، دست کرد در جیب جلوی  
پیراهنش و تعدادی کاغذ درآورد و یکی از آن‌ها را  
جدا کرد و آن را در حالی که می‌خواند، سوال کرد:  
قرص لیتیوم کربنات می‌خواهم. تکنیسین داروخانه  
یک بسته صد عددی قرص لیتیوم کربنات از داخل  
قفسه برداشت و جلوی مراجعه‌کننده گذاشت.

طرف وقتی قیمت دارو را شنید، مثل برق  
گرفته‌ها تکانی خورد و چنین عنوان کرد که چقدر  
گران است؟

تکنیسین هم با خونسردی عنوان کرد که دارو  
قیمت مصرف‌کننده دارد. مراجعه‌کننده، قیمتی را  
که گفت تقریباً مربوط به دو سال قبل بود و من در  
حالی که از دور با او خوش و بش می‌کردم، تذکر  
دادم. تشکر کرد و بدون این که دارو را بگیرد، رفت!

#### یادداشت ۵

اگرچه بیشترش مربوط به چشم هم چشمی است  
و براساس می‌گویندها شکل می‌گیرد، ولی نمی‌دانم  
چرا بعضی‌ها وقتی وارد داروخانه می‌شوند، انگاری  
که سقشان را با داروی خارجی برداشته‌اند. البته  
این هم پدیده ده، پانزده ساله اخیر است که هر دارو